

The effect of the class transformation of the second Pahlavi period on the formation of the Islamic revolution in Iran

Ebrahim Dehghani Khah^{*}, Asghar Partovi^{}**

Sayyed Farshid Jafari^{*}**

Abstract

The relationship between political power and existing social classes in society is a complex relationship and has a special place in better understanding of the political life of societies. In order to investigate changes in the level of political power, it is necessary to check the changes in social power and how to transform it into political power. With the implementation of the White Revolution, especially the land reform law, fundamental changes were made in different layers of the society, and with the disappearance of traditional classes, new social classes were formed. The aim of the current research is to investigate the impact of such social developments on the formation of the Islamic Revolution of Iran. It is emphasized that the claim of this thesis is not that the Islamic Revolution took place within the framework of the mass theory, but the aim is to scrutinize the relevant issues from the perspective of this theory. In this article, using Kornhauser's theory, we have addressed the issue of "what effect did the socio-economic reforms of the second Pahlavi period, especially the so-called (White Revolution) programs and the resulting class transformation, have on the formation of the Islamic Revolution? ». In line with the proposed question, we put forward this hypothesis that "it seems that the reforms known as the White Revolution, especially the land reforms, caused the formation of a mass society and a small number of people, especially in the marginal areas of the cities, which had the potential of

^{*} Ph.D. Candidate of Political Science, Islamic Azad University of Zanjan dehghanikhah@gmail.com

^{**} Associate Professor of Political Science Department, Islamic Azad University of Zanjan, (Corresponding Author), asgpar@yahoo.com

^{***} Assistant Professor of Political Science Department, Islamic Azad University of Zanjan, fjafariz@gmail.com

Date received: 24/01/2024, Date of acceptance: 09/06/2024



revolutionary mobilization." The mentioned hypothesis was examined using documentary method and the findings of the research indicate that the implementation of the plans related to the White Revolution, especially the land reforms, weakened the traditional national solidarities and provided the characteristics of the mass society, and in this way, in terms of The possibility of social mobilization provided the basis for the revolution and played a role in the formation of the Islamic Revolution.

Keywords: Social classes, second Pahlavi, white revolution, land reforms, mass society.

تأثیر تحول طبقاتی دوره پهلوی دوم بر شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران

ابراهیم دهقانی‌خواه*

اصغر پرتوی**، سید فرشید جعفری***

چکیده

رابطه میان قدرت سیاسی و طبقات اجتماعی موجود در جامعه رابطه‌ای پیچیده است و در درک بهتر حیات سیاسی جوامع جایگاه ویژه‌ای دارد. برای بررسی تحولات در لایه قدرت سیاسی باید تحول در قدرت اجتماعی و نحوه تبدیل آن به قدرت سیاسی را بررسی کرد. با اجرای انقلاب سفید به ویژه قانون اصلاحات ارضی در کشور تغییرات اساسی در لایه‌های مختلف جامعه ایجاد شد و با از بین رفتن طبقات سنتی طبقات اجتماعی جدیدی شکل گرفت. هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر این گونه تحولات اجتماعی بر شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران است. تأکید بر این است که ادعای این رساله این نیست که انقلاب اسلامی در چارچوب نظریه توده وار اتفاق افتاده، بلکه هدف این است که با نگاه این نظریه مباحث مربوطه را موشکافی کنیم. در این با بهره‌گیری از نظریه کورن‌هاوزر به این مسئله پرداخته ایم که «اصلاحات اجتماعی - اقتصادی دوره پهلوی دوم بویژه برنامه‌های موسوم به «انقلاب سفید» و تحول طبقاتی ناشی از آن چه تأثیری در شکل‌گیری انقلاب اسلامی داشته است». در راستای سوال مطروحه این فرضیه را مطرح کردیم که «به نظر می‌رسد اصلاحات موسوم به انقلاب سفید بویژه اصلاحات ارضی سبب شکل‌گیری جامعه توده وار و افراد ذره‌ای بویژه در مناطق حاشیه نشین شهرها که پتانسیل بسیج انقلابی داشتند، گردید.» فرضیه مذکور با بهره‌گیری

* دانشجوی دکتری تخصصی علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان، dehghanikhah@gmail.com

** دانشیار گروه تخصصی علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی زنجان (نویسنده مسئول)، asgpar@yahoo.com

*** استادیار گروه تخصصی علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی زنجان، fjafariz@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۰



از روش اسنادی مورد بررسی قرار گرفت و یافته های پژوهش حاکی از آن است که اجرای طرح های مربوط به انقلاب سفید بویژه اصلاحات ارضی همبستگی های ملی سستی را تضعیف و خصلت های جامعه توده وار را فراهم آورد و به این صورت به لحاظ امکان بسیج اجتماعی زمینه را برای انقلاب فراهم و در شکل گیری انقلاب اسلامی نقش ایفاء کرد.

کلیدواژه ها: طبقات اجتماعی، پهلوی دوم، انقلاب سفید، تحول طبقاتی، اصلاحات ارضی، انقلاب اسلامی، جامعه توده وار.

۱. مقدمه

این پرسش بارها در سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی مطرح شده است که چرا در ایران ۱۳۵۷ انقلاب شد؟ خیلی از افراد که خود در بطن مبارزه با رژیم پهلوی بودند و یا از بیرون به انقلاب ایران مذاقه نموده اند، تحلیلهای متفاوتی را ارائه کرده اند و دلایل وقوع انقلاب در ابعاد مختلف بررسی و به قلم های متفاوت به رشته تحریر درآمده است. اما با وجود این تحلیلهای هنوز نقاط تاریکی در مورد علت وقوع انقلاب در اذهان محققین و افکار عمومی باقی است و علی رغم طرح تئوریهای متعدد و چند جانبه و نوشتن مقالات و پایان نامه های علمی در این خصوص همچنان فضای تحقیقات علمی جدیدتر وجود دارد. این مقاله کوشش کرده که علت وقوع انقلاب اسلامی را از زاویه نظریه جامعه توده وار و تأثیرات برنامه های توسعه موسوم به انقلاب سفید بکاود. برای درک بهتر موضوع و بررسی این مساله نگارنده تاکید خود را بر تحولات اجتماعی و طبقاتی متأثر از اصلاحات ارضی گذاشته و از چارچوبها و مفاهیم جامعه توده وار بهره گرفته است. همه پرسی انقلاب شاه و مردم در سال ۱۳۴۱ و رای مثبت به آن و اجرای ۶ اصلی که به منظور پیشگیری از نفوذ افکار کمونیستی و مارکسیستی (Communist and Marxist) ارائه شد، مخالفت روحانیت تشیع و حامیان سستی رژیم پهلوی را برانگیخت و طبقات مختلف عکس العمل منفی به اجرای این اصول داشتند. مسئله اینجاست که چرا با وجود اینکه محمد رضا شاه اجرای این اصول را خط مشی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور و اصلاحات وسیع اجتماعی، سازندگی اقتصادی توأم با اقتصاد دموکراتیک، پیشرفتهای فرهنگی، همکاری بین المللی، احترام به اعتقادات معنوی و تامین آزادیهای فردی و اجتماعی می دانست، مخالفتها بر علیه آن شکل گرفت و امکان بسیج اجتماعی فراهم گردید. اگر چه این مورد تا حدودی مورد توجه بسیاری از روشنفکران و تحلیل گران تاریخی ایران قرار گرفته و در این باره به تفصیل بحث و نوشته های گوناگونی ارائه شده اما نگارنده در صدد

تأثیر تحول طبقاتی دوره پهلوی دوم بر شکل‌گیری ... (ابراهیم دهقانی‌خواه و دیگران) ۶۳

کاویدن این نکته است که چگونه جامعه ایران تحت تأثیر تحولات طبقاتی برآمده از اصلاحات ارضی مستعد بسیج سیاسی گردید.

این مقاله به منظور پاسخگویی به این سؤال اساسی که "اصلاحات اجتماعی - اقتصادی دوره پهلوی دوم بویژه برنامه‌های موسوم به ((انقلاب سفید)) (white revolution) و تحول طبقاتی ناشی از آن چه تأثیری در شکل‌گیری انقلاب اسلامی داشته است؟" بر آن است تا صحت فرضیه "به نظر می‌رسد اصلاحات موسوم به انقلاب سفید بویژه اصلاحات ارضی سبب شکل‌گیری جامعه توده و اروافراد ذره‌ای که پتانسیل بسیج انقلابی داشتند، در مناطق حاشیه‌نشین شهرها گردید" را مورد سنجش قرار دهد.

این پژوهش با استفاده از روش توصیفی - استنتاجی و گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای این موضوع را بررسی کرده که نقش تحول طبقاتی در دوره پهلوی دوم بر شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران تحت تأثیر انقلاب سفید چگونه بوده است.

شیوه استدلال جستار حاضر تحلیلی است و در این راستا تأثیر تحولات طبقاتی شکل‌گرفته از اصلاحات موسوم به انقلاب سفید به عنوان متغیر مستقل و شکل‌گیری انقلاب اسلامی به عنوان متغیر وابسته مورد واکاوی قرار گرفته است. اطلاعات مورد نیاز از منابع معتبر و مکتوب جمع‌آوری و برای اثبات فرضیه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

۲. چهارچوب نظری

تئوری جامعه توده وار از مدل کثرت‌گرایانه جامعه منتج می‌شود. برخی از نظریه پردازان وقوع انقلاب را محصول توده وار شدن جامعه می‌دانند. ویلیام کورن‌هاوزر (William Kornhauser) معتقد است که حفظ ارزشهای مهم به ویژه آزادی مستلزم انفکاک اجتماعی و محفوظ بودن بخش‌هایی از جامعه است که تبلور آن ارزشها هستند. انفکاک اجتماعی از طریق وفاداری گروهی بدست می‌آید که در عین حال نخبگان و غیر نخبگان را از هم جدا می‌کند. با فروپاشی وفاداری گروهی، جامعه توده وار شکل می‌گیرد و وضعیتی پیش می‌آید که نخبگان به راحتی تحت نفوذ غیر نخبگان و غیر نخبگان به سهولت در دسترس نخبگان قرار می‌گیرند. در آثار کورن‌هاوزر قضیه اصلی اینست، "زمانی که هم نخبگان و هم غیرنخبگان انفکاک اجتماعی خود را از دست دهند یعنی هنگامی که نخبگان در معرض مداخله مستقیم غیر نخبگان قرار گیرند و غیرنخبگان نیز برای بسیج شدن بی‌واسطه توسط نخبگان در دسترس آنها باشند می‌توان انتظار میزان بالایی از رفتار توده‌ای داشت" به کارگیری واژه توده وار برای

جوامع انسانی و رفتار او از اواسط قرن نوزدهم شروع شد اما از سالهای ۱۹۳۰ به بعد این مفاهیم جای خود را در مباحث اجتماعی گشود. با پیدایش دولتهای فاشیستی که مهمترین ویژگی آنها توسل به بسیج توده ها در راستای تحقق اهداف و اغراض سیاسی و نظامی و ایدئولوژیک دولتها بود این واژه رواج بیشتری یافت و در تعریف اندیشمندانی چون والتر (Walter)، توده به جمعیتی که افراد آن منفرد، منزوی، و مجزا از یکدیگر بودند تعریف شد. سلزینیک نیز در تعریف توده میگوید زمانی یک جمعیت را توده می نامیم که فاقد ساختاری در سازمان اجتماعی و روابط نهادی باشد و از افرادی همشکل از حیث افکار و رفتار تشکیل شده باشد. (بشیریه، ۱۳۸۸، ص ۱۳۵)

هانا آرنت (Hannah Arendt) نیز توده را جمعیتی بی شکل می داند که از افراد جدا از هم تشکیل شده است و فاقد هویت مشترک، احساس منافع و آگاهی های گروهی است. او جامعه توده ای را جامعه ای می داند که در آن توده ها حول محور هیچ مصلحت عمومی یا طبقاتی و یا گروهی گرد نمی آیند. (آرنت، ۱۳۶۱، ص ۷۵)

کورن هاورز معتقد است که در جامعه توده ای با فروریختن مرز بین توده ها و نخبگان، توده ها به سادگی در معرض بسیج قرار می گیرند. او زمینه ساز ظهور جنبش های توده ای را پیدایش و گسترش الگوهای رفتاری توده ای می داند. رفتاری خارج از چارچوب های نهادی و بدون توسل به گروه های میانجی و رفتاری ناپایدار. که متوجه اهداف دوردست و دوراز تجربه و زندگی روزمره است، رفتاری شخصی و مستقیم. (دلآوری، ۱۳۷۵، ص ۵۲)

جامعه توده وار زمانی شکل می گیرد که بنا به دلایلی وفاداری گروهی از هم فرو پاشد، با گسست اجتماعی و از بین رفتن وفاداری گروهی وضعیتی به وجود می آید که در آن نخبگان به راحتی تحت نفوذ غیر نخبگان و غیر نخبگان نیز به سهولت در دسترس نخبگان قرار میگیرند. با درهم شکسته شدن نظام طبقاتی، وفاداری سنتی به گروه ها و احزاب سیاسی از بین میرود. دردیدگاه کورن هاورز مردمی که ذره ای شده اند به سهولت در برابر جنبش ها آسیب پذیر هستند و به سهولت بسیج می شوند. حقیقت این است تنهایی فرد در جامعه توده ای تنها با عضویت در یک طبقه تعدیل می شود و دلیل توده ای شدن فرد انزوا و نداشتن ارتباطات بهنجار است. در نتیجه ذره ای شدن، فرد برای پذیرش ایدئولوژی های تازه آمادگی دارد و به دنبال همبستگی جدید جهت جبران همبستگی قبلی دارد.

در کاربست نظریه جامعه توده وار (The theory of mass society) در این پژوهش این نکته مورد تاکید است که باتوجه به اجرای برنامه های مختلف اصلاح اجتماعی - اقتصادی در قالب

تأثیر تحول طبقاتی دوره پهلوی دوم بر شکل‌گیری ... (ابراهیم دهقانی‌خواه و دیگران) ۶۵

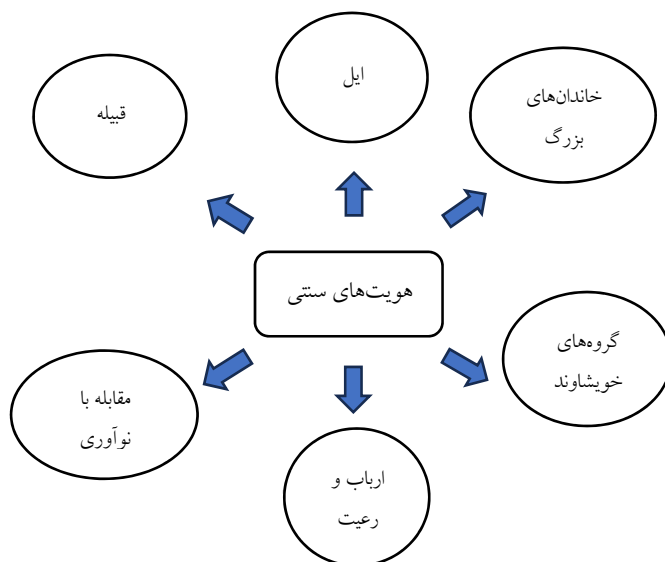
انقلاب سفید به ویژه اصلاحات ارضی همبستگی‌های سستی از نوع ارباب رعیتی فرو پاشید و با کوچ روستائیان به شهرها و افزایش شهرنشینی به ویژه با شکل‌گیری حاشیه‌نشینی شهری جوامع ذره‌ای شده و بی‌هویتی شکل گرفته که مستعد بسیج انقلابی از سوی نخبگان و رهبران بودند. بدین صورت غیرنخبگان در معرض دسترسی نخبگان انقلابی قرار گرفتند و در شکل‌دهی به حرکت‌های توده‌ای انقلاب نقش ایفا کردند.

شماره ۱: (الگوی کلی نظریه جامعه توده وار)

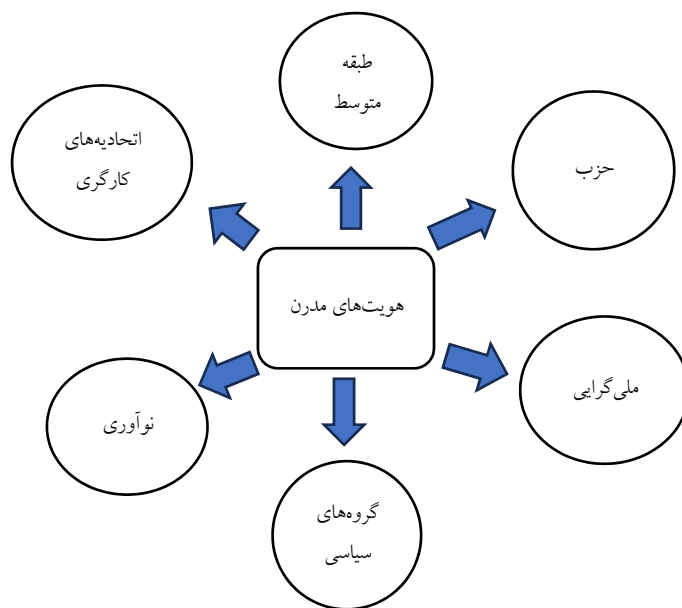
توضیح: این مدل مفهومی این مسئله را نمایان می‌سازد که جامعه و افراد آن در حرکت از سنت به مدرنیسم به چه صورت متحول می‌شوند و نمی‌توانند ویژگی‌های جامعه مدرن را کسب کنند و از طرفی چگونه واجد ویژگی‌های جامعه توده وار شده و نهایتاً توده‌ها مستعد بسیج شدن از سوی نخبگان قرار می‌گیرند.

تأثیر تحول طبقاتی دوره پهلوی دوم بر شکل‌گیری ... (ابراهیم دهقانی خواه و دیگران) ۶۷

الف. ساختار جامعه سنتی

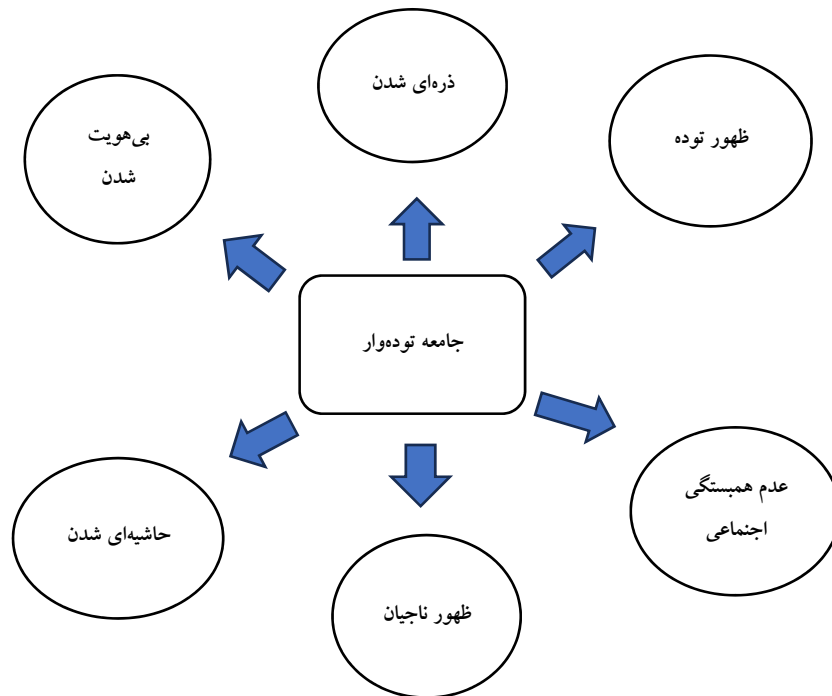


ب. ساختار جامعه مدرن



ج. ساختار جامعه توده ای

این جامعه ویژگی های سنتی خود را از دست داده و ساختار جامعه مدرن را هنوز کسب نکرده است و متشکل از ویژگیهای زیر می باشد.



- ظهور ناجیان (نخبگانی که خصلت بسیج گری دارند)
- ظهور توده ها (جماعتی که خصلت بسیج شوندگی دارند)
- ذره ای شدن (افرادی که خصلت بسیج شدن را تقویت می کنند)
- حاشیه ای شدن (افرادی که خصلت بسیج گری دارند)
- بی هویت شدن (افرادی که خصلت بسیج شدن دارند)

۳. اصلاحات اجتماعی – اقتصادی دوره پهلوی دوم (انقلاب سفید)

تحولات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در غرب مسیر جوامع غربی وهم پیمانان آنها را به سوی نوسازی و توسعه همه جانبه هدایت کرد. تئوریهای مربوط به نوسازی در غرب از تحولاتی چون انقلاب صنعتی، انقلابهای سیاسی – اجتماعی و اصلاحات متعدد اقتصادی، فرهنگی و

تأثیر تحول طبقاتی دوره پهلوی دوم بر شکل‌گیری ... (ابراهیم دهقانی‌خواه و دیگران) ۶۹

سیاسی نشأت گرفته بود که در زمان کوتاهی به دیگر جوامع توسعه نیافته تسری یافت. در همین راستا با به قدرت رسیدن دموکرات‌ها در آمریکا و به منظور پیشگیری از نفوذ کمونیسم که سلاح ایدئولوژیک شوروی به عنوان رقیب اصلی آمریکا در کشورهای دیگر بود و به منظور تقویت طبقه متوسط و برخی الزامات داخلی طرح‌های گوناگون اصلاحی در ایران دوره پهلوی دوم انجام شد. این طرح‌ها شامل اصلاحات اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی از سالهای ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۷ به مرور اجرا شد، نظریه پرداز اقتصاد آمریکا والت ویتمن روستو (Walt whitman rostoo) طرح‌هایی به منظور ممانعت از نفوذ کمونیسم در کشورهای متحد آمریکا پیشنهاد داد که در ایران در قالب ((انقلاب سفید)) یا ((انقلاب شاه و ملت)) در ابتدای دهه ۴۰ شمسی به دنبال رفراندوم ۶ بهمن ۱۳۴۱ به مرحله اجرا گذاشته شد. روستو معتقد بود که از طریق اصلاحات مرحله‌ای و به طور خاص اصلاحات ارضی می‌توان طبقه متوسط را تقویت و با کاهش قدرت زمین‌داران بزرگ، مجلس و وزارتخانه‌ها را به تسلط حکومت در آورد.

طرح انقلاب سفید در ابتدا شش اصل بود که در ادامه با توجه به نیازها و مقتضیات زمان ۱۳ اصل دیگر نیز به آن اضافه شد. تغییرات مهمی در قالب این طرح برنامه‌ریزی و اجرا شد. در این قسمت از مقاله صرفاً "به اصولی که در تحول طبقاتی جامعه نقش داشتند پرداخته شده است:

- مهمترین اصلی که در شکل‌گیری طبقات اجتماعی (social classes) بویژه طبقه متوسط سنتی (خرده بورژوازی) تأثیرمحوری داشت، اصل اصلاحات ارضی و الغای رژیم ارباب رعیتی بود و در اجرای اصل سوم انقلاب سفید فروش سهام کارخانجات دولتی به عنوان پشتوانه اصلاحات ارضی انجام شد. در اجرای این اصل به جز صنایع مادر و ملی شده همانند راه آهن، نیرو، اسلحه‌سازی و غیره که در مالکیت دولت برجای ماند، ۵۵ کارخانه بزرگ به شرکت‌های سهامی واگذار شدند و شرکت‌های سهامی کارخانه‌های ایران را تشکیل دادند که سهام آن از سوی بانک کشاورزی به فروش رفت. (پهلوی، ۱۳۵۶، ۱۵)

این کار یا همان خصوصی‌سازی کارخانه‌های دولتی ایران سبب شد که همه مردم با درآمد متوسط و کم بتوانند آن را خریداری کنند و بخش بزرگی از کارخانه‌های دولتی به مردم فروخته شد. این تحول به نوبه خود در تقویت طبقات صنعتی مدرن و نیز خرده بورژوازی موثر بود.

- در اجرای اصل سهیم کردن کارگران در سود کارخانه ها، سندیکاهای کارگری (Syndicates worker) و کارفرمایی در راستای ایجاد طبقه حامی دولت تشکیل شد و ۲۰ درصد از سود کارخانه ها را به کارگران واگذار کردند. در اجرای این طرح ۵۳۰ هزار کارگر در بخشهای خصوصی و دولتی صاحب سهام شدند. (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ص ۱۶۱)
با توجه به ترغیب ایجاد شده و در راستای تامین نیروی مورد نیاز، افراد فاقد شغل به سوی صنعت سوق داده شدند، این اقدام نیز در راستای تقویت طبقه کارگر موثر افتاد.
- با اجرای اصل ایجاد سپاه دانش، در سال ۱۳۳۷ برابر آمار ۶۷٫۲ درصد مردان و ۸۷٫۸ درصد کل زنان بالای پانزده سال بی سواد بودند. برطبق این اصل مقرر شد جوانان دیپلمه با گذراندن یک دوره آموزشی و یادگیری روش تدریس به خردسالان و بزرگسالان به روستاها اعزام گردند. بسیاری از این دختران و پسران پس از پایان دوره سپاهی گری به استخدام وزارت آموزش و پرورش درآمدند. همچنین در طول پنج سال نخست ۵۱۰۰۰۰ پسر و ۱۲۸۰۰۰ دختر و ۲۵۰۰۰۰ مرد سالمند و ۱۲۰۰۰ زن سالمند خواندن و نوشتن آموختند. تا سال ۱۳۵۷ نرخ بیسوادی مردان و زنان به ۴۴٫۲ و ۵۳ درصد کاهش یافت. (پهلوی، ۱۰۲، ۱۳۵۶)
- با افزایش سطح سواد ساکنین روستاها و به تبع آن آگاهی ایشان موجب شد که سطح خواسته ها بالا رفته و امکانات موجود در روستاها پاسخگوی نیاز جوانان نبود. در این میان تشریح امکانات شهرها به روستائیان توسط سپاهیان دانش خود مزید بر علت مهاجرت روستائیان بود. اجرای این اصل و افزایش تحصیل کردگان و شهر نشینان حجم جمعیتی طبقه متوسط جدید را به شدت افزایش داد.
- با اجرای اصل نوسازی شهرها و روستاها با کمک سپاه ترویج و آبادانی، نوسازی شهری و روستایی به مانند دو رشته موازی از یک کوشش یگانه در بازسازی در آمد. از سوی دیگر با توسعه شهرها مهاجرت از روستاها جهت اشتغال و بهره مندی از امکانات رفاهی و خدماتی افزایش پیدا کرد. این اصل نیز به نوبه خود باعث گسترش رفاه اجتماعی و تقویت طبقه متوسط جدید شد. (افخمی، ۱۳۷۸، ۱۶۴)
- در اجرای اصل انقلاب اداری و انقلاب آموزشی که تأمین نیروی انسانی با دانش و متخصص در رشته های گوناگون صنعت، فرهنگ و غیره اساس این اصل بود در سال ۱۳۵۵ بیست و دو درصد کل جمعیت کشور زیر پوشش سطح های گوناگون آموزش

تأثیر تحول طبقاتی دوره پهلوی دوم بر شکل‌گیری ... (ابراهیم دهقانی‌خواه و دیگران) ۷۱

قرار گرفتند. افزایش سطح سواد اقشار مختلف مردم و اشتغال آنها در ادارات با توجه به توسعه ارکان اداری موجب شکل‌گیری و گسترش طبقات متوسط جدید گردید. (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ص ۱۵۲)

هدف اصلی پوشش بیمه‌های اجتماعی برای همه ایرانیان، این بود که هر ایرانی در همه دوره‌های زندگی خود زیر پوشش بیمه‌های اجتماعی باشد. (پهلوی، ۱۳۵۶، ص ۱۵).

با بهره‌مندی اقشار مختلف از خدمات تامین اجتماعی و ارتقاء رفاه ایشان زمینه برای مطالبه اجتماعی - سیاسی بیشتر این افراد فراهم شد و از طرفی افراد فاقد بیمه نیز خواستار بهره‌مندی از خدمات متقابل شدند و این خواسته در برخی موارد نیازمند تغییر شغل و پیوستن به طبقات جدید با توجه به اشتغال در بخشهای دولتی و خصوصی بود.

با بهبود زندگی بسیاری از خانواده‌ها در دسترسی به آپارتمانها مدرن و طرحهای اجتماعی دولتی مانند بیمه درمانی، بیمه بیکاری و طرحهای مشارکت در سود کارخانه‌ها و دسترسی به لوازم خانگی و انواع خودروها بهبود یافت، اما این هم‌روشن بود که کیفیت زندگی بسیاری از خانواده‌ها با گسترش حاشیه نشینی، حصار آباد و حلبی آبادها، آلودگی هوا و ترافیک بسیار پایین بود و قشر پایین مانند طبقه کارگر بویژه مزدبگیران، دستفروشان، کارگران کارگاههای کوچک، کارگران فصلی از برنامه‌های رفاه اجتماعی بی‌نصیب ماندند. زیرا فاقد شرایط برای طرحهای بیمه و مشارکت در سود کارخانه‌ها بودند فقر و مسکنت این توده چند میلیونی که بیشترشان ناگزیر از روستاها به زاغه‌های جدید حاشیه شهرها رانده شدند. (افخمی، ۱۷۹، ۱۳۷۸)

از بررسی اجمالی این مبحث مشخص شد که هر کدام از اصول انقلاب سفید به نحوی در ایجاد تحول طبقاتی در جامعه ایران دوره پهلوی دوم و در رشد و ارتقای کمی و کیفی برخی طبقات و یا در مقابل کاهش کمی و کیفی برخی طبقات دیگر موثر بوده‌اند، لکن ریشه‌ای‌ترین تأثیر در تحول طبقاتی در ایران آن دوره را بایستی در اصلاحات ارضی جستجو کرد که تأثیرات فراوانی در تحولات اجتماعی - سیاسی بعدی گذاشت.

۴. تحول ساختار اجتماعی در اجرای اصلاحات ارضی و پیامدهای اجتماعی - سیاسی آن

قوانین اصلاحات ارضی در سه مرحله و در مدت حدود ده سال برای تامین نیازهای اقتصادی و اجتماعی جامعه به اجرا گذاشته شد. تغییرات و دگرگونیهایی را در زمینه‌های مالکیت

ارضی، ساختار طبقاتی، نقش بورکراسی اداری، تحرک اجتماعی، شیوه و مناسبات تولیدی و جابجایی در ترکیب گروههای حاکم در پی داشت. پس از اجرای قوانین اصلاحات ارضی ساختار اجتماعی و سیاسی در روستاها دستخوش تغییرات گسترده شد. یک میلیون و هفتصد هزار روستایی صاحب زمین شدند و اساس مالکیت ارباب رعیتی فرو پاشید. اگر چه برخی از جنبه های شیوه تولید اربابی حفظ شد ولی سلسله مراتب اجتماعی و نظام بهره برداری از میان رفت. (فوران ۱۳۹۲، ص ۳۷۴)

با فروپاشی نظام ارباب رعیتی خلأ ناشی از ارباب و سازمانهای اربابی با اربابهای بورژوا و سازمان و ماموران حکومتی پر شد. با اجرای این اصلاحات شکل جدیدی از بهره برداری زراعی صورت گرفت. بهره برداری دهقانی مانند نظام بنه بندی و انواع شیوه های مبتنی بر مدیریت ارباب از بین رفت و از شیوه های قدیم فقط نظام بهره برداری خانوادگی که تنها به خرده مالکان اختصاص داشت باقی ماند. (ازغندی، ۱۳۸۶، ص ۱۹۳)

به گفته جیمز آلن بیل (James Allen Beale) در کتاب «سیاست در ایران»... بسیاری از کشاورزان تهیدست که برای باز پرداخت قسط زمین های خود وام دریافت کرده بودند آن را صرف خرید لباس یا رادیوی ترانزیستوری کرده بودند. مساله ای که دولت را برای تامین مخارج طرح با دشواری های جدی روبرو کرد. بسیاری از کارشناسان معتقدند که پدیده حاشیه نشینی که در دهه ۱۳۵۰ به اوج خود رسید، از نتایج این طرح بود. (آلن بیل، ۱۳۸۷، ۱۸۵)

اریک هوگلند (Eric Hoagland) کارشناس انگلیسی که در دهه ۱۳۵۰ موضوع اصلاحات ارضی در ایران را مطالعه کرده، می نویسد: «موفقیت طرح اصلاحات ارضی از لحاظ منفعت برای دهقانان هیچ بود... اصلاحات ارضی ایران در حقیقت یک برنامه محافظه کارانه بود که مزایای مثبت معدودی داشت. اکثر روستائینان از نظر موقعیت اقتصادی بهتر از سال های پیش از اجرای برنامه نبودند. یکی از بزرگترین مشکلات بر سر راه این طرح فقدان مطالعات جامعه شناختی و اجرای ناقص بود. بسیاری از دهقانان یا زمین به دست نیاوردند و یا صاحب زمین نامرغوب شدند. بسیاری از زمین ها نیز کوچک بود و درآمد حاصل از آن کفاف نمی داد. در ضمن ساختارهای اجتماعی روستا دستخوش تحول شد و طبقات جدیدی به وجود آمدند از جمله کدخدایان و سر بنه های سابق که با سهم بیشتری که نصیب شان شده بود اینک مرفه شده و بر روستا تسلط پیدا کرده بودند. آنها از طریق اعطای وام به دهقانان کم درآمد زمین های بیشتری نیز به چنگ آوردند. (هوگلند، ۱۳۷۰، ص ۷۴)

تأثیر تحول طبقاتی دوره پهلوی دوم بر شکل‌گیری ... (ابراهیم دهقانی‌خواه و دیگران) ۷۳

عمده‌ترین پیامد برنامه اصلاحات ارضی آن بود که دولت قدرت سیاسی خود را جایگزین قدرت زمین‌دار در روستاها کرد. سپاه بهداشت، دانش و... سازمان‌های دولتی و نهادهای روستایی و ژاندارمری نیز هر یک قدرت دولت مرکزی را در روستاها تحکیم کردند که همین امر موجب نارضایتی بسیاری از دهقانان شد. نقل قول از دهقانانی که از وضع موجود ناراضی بودند بسیار است. دولت متوجه نبود که ساختاری چند هزار ساله از رابطه مالک و دهقان که هر دو در آن خیره شده بودند را از هم پاشیده است و در مقابل نتوانسته جایگزینی مناسب برای آن تعریف کند. اهدافی که دولت از اجرای اصلاحات ارضی در جهت افزایش تولید و به تبع آن بهبود وضعیت معیشت روستائیان دنبال میکرد محقق نشد. میزان تولید محصولات کشاورزی با نیاز و مصرف کشور همخوانی نداشت زیرا خرد شدن اراضی و ناتوانی روستائیان در بهره‌برداری، موجب وابستگی بیشتر به محصولات غذایی وارداتی شد. (فوران، ۱۳۷۷، ص ۴۸۲-۴۸۰)

سران ایلات همانند مالکان بزرگ در نتیجه اصلاحات ارضی و اسکان عشایر، قدرت سیاسی و منزلت اجتماعی خود را از دست دادند. برخی از زمینداران نتوانستند قدرت اقتصادی خود را حفظ کنند و به صورت زمیندار، سوداگر اداری رده بالا یا فرمانده ارتش در آیند. گروه زیادی از مردم عادی عشایر بر اثر سیاست‌های دولتی یا مشکلات اقتصادی یکجا نشین شدند. عده‌ای از آنان به صورت دهقان کم زمین یا کارگر کشاورزی درآمدند. یا به صورت کارگر ساختمانی جز طبقه‌های فقیر حاشیه شهری شدند. حدود ۷۰-۵۰ هزار به کار خود ادامه دادند و به تولید فرآورده‌های دامی پرداختند. زندگی برای اغلب عشایری‌ها دشوارتر شد و آمار و ارقام وضعیت تغذیه در روستاها نشان دهنده سوء تغذیه شدید در کردستان، خوزستان، کرمان و بختیاری بود. خلاصه این که اسکان ایلات، اصلاحات ارضی موجب کاهش جمعیت ایلی و به تبع آن موجب کاهش تولید گوشت و فرآورده‌های شیر در دهه ۱۳۴۰ شمسی شد. سهم دامپروری تولید کشاورزی که در دهه ۱۳۴۰ شمسی ۴۰ درصد بود در سال ۱۳۴۹ به ۲۶ درصد در سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۷ بر اثر تلاش‌های دولت و ایجاد واحدهای بزرگ سرمایه طلب برای پرورش گوسفند و ماکیان به ۳۳ درصد افزایش یافت، به تدریج که تولید فرآورده‌های شبانکاره خصلت شبانکارگی و چادرنشینی شان را ازدست دادند و ویژگی‌های سرمایه داری به خود گرفتند. از توانایی کشور در صادرات مواد غیر نفتی از جمله گوشت، چرم، پشم و قالی نیز کاسته شد. از زاویه وجه تولید، به رغم پیشرفت‌هایی که در ایجاد واحدهای تولید دامپروری سرمایه داری پدید آمد و تولید شبانکاره چادرنشینی به هستی خود ادامه داد، منتهی

حالت محدودتری به خود گرفت در مقایسه با قبل، سهم آن در اقتصاد و نیروی کار کاهش پیدا کرد. (ملکوتیان، ۱۳۸۱، ص ۱۳۵)

وضع بسیار نامطلوب اقتصاد روستایی از یک طرف و جاذبه های روز افزون شهرها به سبب رونق گرفتن فعالیتهای ساختمانی و خدماتی از سوی دیگر موجب تسریع در مهاجرت روستائیان به شهرها شد. مهاجرت روستائیان به شهرها نه تنها موجب افزایش جمعیت شهرها و مصرف مواد غذایی شد و با کاهش اراضی زیر کشت بخش کشاورزی را با مشکلات زیادی روبه رو کرد، بلکه رفت و آمد روستائیان به شهرها و شنیدن حرفهایی تازه و آشنا شدن با محیط اجتماعی و فرهنگی جدید و خلاصه پیوند با جامعه شهری دگرگونی اساسی در ساختار فکری و اجتماعی روستائیان به وجود آورد به نحوی که بنیاد ایدئولوژی ارباب-رعیتی در اندیشه او متزلزل شد و نتوانست ایدئولوژیهای نو و بورژوازی را نیز بپسندد و بدین ترتیب به انسان بی هویتی مبدل شد که در نهایت برای رهایی خود از این بلا تکلیفی فرهنگی چاره ای نداشت جزء اینکه به یکی از هویتهای نو پدید از جمله جنبشها و گروههای مبارز نهضت ضد استبدادی به پیوندد. (ازکیا، ۱۳۶۵، ۱۲۱)

وقتی که زمین از مالکان گرفته و به دهقانان سپرده شد انتظار می رفت که همان قدرتی که مالکان داشتند نیز به دهقانان داده شود که این گونه نشد. یکی از اهداف اصلاحات ارضی این بود که کشاورزی را از حالت سنتی خارج و به سمت مدرنیزاسیون پیش ببرد و قدرت دهقانی را تثبیت کند که به دلایلی که خارج از حوصله این بحث است چنین اتفاقی رخ نداد.

در اصلاحات ارضی ایران به گونه ای عمل شد که گروه های متنفذ نفع بیشتری بردند، اگر نگوییم که تمام منافع برای آنان شد. ضمناً در برخی مناطق مالکیت زمین و آب از هم جدا بود. زمین توزیع شد ولی آب توزیع نشد. در بسیاری از نقاط کشور زمین در اختیار کسانی قرار گرفت که آب در اختیار آنها نبود و از این رو صنفی پیدا شد به نام آبروشان. در جنوب کشور هنوز این صنف وجود دارد. از این نوع اشکالات در اجرا فراوان پیش می آمد که نهایتاً وضعیت اقتصادی و به تبع آن اجتماعی دهقانان را تضعیف و سبب کوچ آنان می شد.

وضعیت کارگران زراعی که از فقیرترین قشرهای روستایی به شمار میرفتند پس از اصلاحات ارضی نه تنها بهبود پیدا نکرد بلکه از گذشته نیز بدتر گردید. کندی رشد کشاورزی، گسترش باغات، توسعه مکانیزاسیون در اراضی مالکان غایب از ده، جملگی در کاهش فرصتهای کار و تقلیل میزان دستمزد کشاورزی تاثیر داشت. در نتیجه اختلاف سطح زندگی میان کارگران زراعی و زارعان بیش از پیش گردید. از طرف دیگر اصلاحات ارضی سبب رشد

تأثیر تحول طبقاتی دوره پهلوی دوم بر شکل‌گیری ... (ابراهیم دهقانی خواه و دیگران) ۷۵

سریع سوداگران ده گردید. حال آنکه قبل از اصلاحات ارضی اقتصاد روستایی بیشتر جنبه خودکفایی داشت. (زاهد، ۱۳۷۷، ص ۲۰)

علی‌هذا اصلاحات ارضی در ایران با اینکه توانست گامی در جهت رشد و توسعه ایران و ارتقای جایگاه اجتماعی و اقتصادی دهقانان باشد لکن به دلیل ایراداتی که در اجرا با آن مواجه شد به طور قابل توجهی به اهداف خود نرسید و با برهم خوردن روابط سنتی روستایی مبتنی بر ارباب رعیتی موجب افزایش شهرنشینی، آن هم به صورت حاشیه‌نشینی شهری گردید که در پی آن معضلات اجتماعی متعددی پیش آمد که به نوعی زمینه‌ساز جنبشهای اجتماعی را بیشتر فراهم آورد.

اصلاحات ارضی برای اروپای قرون وسطی شاید مناسب بوده باشد لکن تفاوت ماهوی زمین‌داری در ایران با فئودالیسم اروپایی اجازه نداد که نتایج مثبت اصلاحات ارضی آن گونه که در اروپا بوده شکل پذیرد. ضمن اینکه اجرای اصلاحات ارضی مخالف طیف سنتی - مذهبی در ایران را هر چه بیشتر برانگیخت که این مخالفتها هم از به خطر افتادن منافع آن قشر و هم به دلایل ایدئولوژیک اتفاق می‌افتاد. برخی معتقد بودند که مالکیت در اسلام محترم است و نباید به این گونه طرحها به خطر بیفتد و برای تعدیل طبقاتی بجای اصلاحات اساسی، دولت مالیاتها را کاهش دهد. (آبراهامیان، ۱۳۷۷، ص ۲۳۸)

در همین راستا امام خمینی (ره) در تاریخ ۱۳۴۲/۰۲/۱۰ این گونه اظهار نظر فرمودند:

این اصلاحات ارضی از بزرگترین خیانتهایی است بر این مملکت که زراعت مملکت را به کلی از بین بردید و دهقان‌های بیچاره را کاری کردید که هجوم آوردند به شهرستان‌ها. تهران الان پر است از این دهقان‌های بیچاره‌ای که از اطراف آمدند توی این زاغه‌ها و توی این چادرها و توی این کثافت کاری‌ها، بیچاره‌ها دارند زندگی می‌کنند با عائله در زمستان سخت، اینها خیانت بر یک ملت نیست؟! (نقل در صحیفه نور، ج ۲، ص ۴۳۱).

به دنبال اجرای اصلاحات ارضی و به هم خوردن سیستم مالکیت زمین‌های کشاورزی و نظام ارباب - رعیتی، دیگر سیستم و وضعیت جدید پاسخگو و تأمین‌کننده معیشت خود روستائیان نیز نبود. زیرا از یک سو با گرفتن زمین‌ها از اربابان، بسیاری بیکار شدند. چون بیش از نیمی از خانوارهای روستانشین مشمول قانون اصلاحات ارضی نشدند، قرارداد رسمی سهم‌بری نبسته بودند و حق نسق نداشتند، لذا این عده روز به روز فقیرتر شدند و اکثریت دهقانانی که صاحب زمین شدند قطعه زمین‌های کوچک و نامرغوبی به دست آوردند و نیمی از زمین‌ها اصولاً "تقسیم نشد" و در اختیار بزرگ مالکان باقی ماند و بسیاری از این دهقانان

درگیر مسائلی از قبیل تأمین آب کشاورزی، چگونگی پرداخت اقساط و... شدند و ادامه این روند برایشان غیرقابل تحمل می نمود. لذا بسیاری از آنان زمین های خود را به مالکان فروختند. نتیجه این تحول، این بود که در اوایل دهه ۱۳۵۰، نرخ مهاجرت به ۸٪ رسید که از رقم متوسط سال های ۱۳۵۵ - ۱۳۳۵، بسیار بیشتر بود. این مهاجرت نه تنها باعث کاهش تولید مواد غذایی و وابستگی اقتصادی به خارج گردید، بلکه مشکلات اجتماعی بسیار زیادی را نیز به وجود آورد. مهاجران در شهرها با فقدان کار کافی، مسکن و امکانات زیست مناسب روبه رو شدند و در حاشیه شهرها و محله های فقیرنشین و کثیف استقرار یافتند (نیکی کدی، ۱۳۶۹، صص ۲۵۵ - ۲۴۳).

روستائیان که به امید یافتن شغل مناسب به شهرها هجوم آورده بودند طبقه کارگر روزمرد شهری را به وجود آوردند. این افراد که اغلب تنها و بدون خانواده خود به شهرها مهاجرت می کردند، با فرهنگ غرب زده شهری که با آن بیگانه بودند روبرو و مجبور می شدند برای کسب درآمد در ساختمان ها، کاخ ها و ویلاهای مجلل که هزینه گزافی صرف ساختن آنها می شد به کار مشغول شوند. اگر چه درآمد آنها نسبتاً مناسب بود، اغلب به خاطر تورم سرسام آور مغلوب هزینه ها می شدند (محمدی، ۱۳۷۰، صص ۷۸ - ۸۰).

بنا براین با اجرای اصلاحات ارضی بجای اینکه دهقانان به یک طبقه مستقل دارای جایگاه اجتماعی و اقتصادی تبدیل شوند ورشد بخش کشاورزی را رقم بزنند به انسانهای گسسته ازسنتها به محیط های نا آشنا و غریبه شهری پرتاب شده، تبدیل شدند.

همچنین با اجرای اصلاحات ارضی در ایران تحول اساسی در ساختار اجتماعی ایران پدید آمد و با بهم خوردن نظم اجتماعی کهن (نظم ارباب رعیتی)، مهاجرت روستائیان به شهرها به شدت افزایش یافت و موجب ایجاد مناطق حاشیه نشین شهری با بحران هویت اجتماعی گردید که پی آمدهای سیاسی مهمی را رقم زد.

۵. برانگیخته شدن مخالفت طبقات سنتی-مذهبی

اصلاحات عمیق و گسترده ای که تحت عنوان انقلاب سفید در دوره پهلوی دوم به اجرا در آمد، تحولات عمیق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را رقم زد. این اصلاحات موجب شد که چهره ایران از یک جامعه سنتی به یک جامعه شبه مدرن و صنعتی تبدیل شود. علاوه بر اصلاحات ارضی که تحول بنیادین اجتماعی را سبب شد، اعطاء حقوق اجتماعی و مدنی به زنان (حق شرکت در انتخابات و حق طلاق) و مشارکت هرچه بیشتر آنان در امور اجتماعی،

تأثیر تحول طبقاتی دوره پهلوی دوم بر شکل‌گیری ... (ابراهیم دهقانی‌خواه و دیگران) ۷۷

برخی دیگر از جنبه‌های این سیاست‌ها بود. تلاش این بود که الگوی غربی جایگزین ساختارهای سنتی شود. آنچه در میان اقلشار سنتی - مذهبی باعث نارضایتی از رژیم شاه می‌شد، تلاش او برای مدرن و غربی کردن سریع جامعه ایران بود حرکتی که بر خلاف تمایل و گرایش اکثریت ایرانیان سنتی و مذهبی بود. (زیبا کلام، ۱۳۸۷، ص ۶۶)

علاوه بر مخالفت‌هایی که به جهت اصلاحات ارضی ایجاد شده بود، مدرنیزاسیون فرهنگی، اجتماعی محمد رضا شاه مخالفت طبقات سنتی بویژه روحانیت را تشدید کرد. زیرا روحانیت برنامه‌های اصلاحی رژیم را بر خلاف مذهب می‌دانستند. حوزه‌های علمیه و در راس آنها امام خمینی(ره) با سخنرانی‌ها، اعلامیه‌ها و بیانیه‌ها همواره سعی داشت از بر نامه‌های ضد مذهبی رژیم پرده بردارد و در آگاه‌سازی عامه مردم نقش اساسی را ایفاء نماید.

روحانیون به دلیل دارا بودن سازمان قدرتمند و قوی که از سالهای طولانی در اختیار داشتند از جمله سازمان یافته‌ترین و منسجم‌ترین نیروهای اجتماعی جامعه ایران به شمار می‌رفتند و این سازمان هم وسیله کسب قدرت و هم وسیله اجرای قدرت بود و هیچ طبقه‌ای نمی‌توانست به قله قدرت برسد مگر اینکه سازمان پر قدرتی داشته باشد. این سازمان استوار و دارای سلسله مراتب روحانیت شیعه در برابر حاکمیت ایران همیشه دارای استقلال بوده و برهه‌های مختلف نیز تصمیمات مناسبی برای حفظ قدرت و توسعه هر چه بیشتر سازمان خود گرفته و با همراه کردن طبقه متوسط و سنتی جامعه اهداف خود را پیش برده بود و این تجربه تاریخی وجود داشت که حاکمیت به علت ایستادگی این طبقه از تصمیمات اجرایی خود صرف‌نظر نموده و به نوعی عقب‌نشینی کرده بود. (آبراهامیان، ۱۳۷۷، ۱۲۷).

استقلال مالی روحانیون و انسجام و ارتباط مستمر روحانیون با حوزه‌های علمیه باعث شده بود این طبقه وابستگی خاصی به حاکمیت نداشته باشند و در برهه‌های مختلف نظرات خود را به صورت آگاهانه و آشکار بیان نمایند و خواسته‌های شرعی و اجتماعی خود را در برابر حاکمیت با زبان گویا بیان و پیگیری نمایند.

اگر چه در زمان رضا شاه با مدرن‌سازی سیستم بوروکراسی جامعه روحانیون بخش عمده حقوق قضایی، آموزشی، اجتماعی، مالی و سیاسی خود را از دست دادند و به طور کلی با محدودیت‌های شدیدی روبرو شدند اما در دوره محمدرضا شاه از این فشار اندکی کاسته شد و شمار طلاب در حوزه علمیه و مدارس دینی بسرعت افزایش یافت و در مدتی کوتاه به بیش از ۳ هزار نفر رسید و براساس سرشماری سال ۱۳۵۵ جمع روحانیون به ۲۳۴۷۶ نفر رسیده بود، این افزایش به مدد فضای باز ایجاد شده در سالهای ۱۳۲۰-۱۳۳۲ و عوامل دیگری مانند متکی

بودن آنها به منابع خودی، همبستگی درون گروهی، و منزلت سنتی آنها بود. بخشی از این رشد مدیون تلاش آیت اله سید حسین طباطبایی بروجردی بود مرجعی که تا فروردین ۱۳۴۰ در قید حیات بود و با تاسیس مراکز مذهبی جدید و افزایش تعداد طلبه ها و گسیل تعدادی از روحانیون به دانشگاه و آشنا نمودن آنها با علوم جدید نقش بی بدیلی را ارائه نمود و از سوی دیگر با اتخاذ موضعی ملایم به وضع سیاسی حاکم و بسنده نمودن به توصیه، پیغام و تهدید زبانی، اقدامات ماندگار در زمینه مسائل مذهبی بعمل آورد. (آبراهامیان، ۱۳۷۷، ص ۱۳۳)

با رحلت آیت اله بروجردی و بی ثبات شدن سیاسی جامعه ایران ناشی از تصویب طرح انجمن های ایالتی و ولایتی، انقلاب سفید و تصویب قانون کاپیتولاسیون بار دیگر مراجع و مجتهدین وارد صحنه سیاسی شدند. آیت الله میلانی، آیت الله گلپایگانی، آیت الله مرعشی نجفی و آیت الله خوانساری و بسیاری دیگر نسبت به اجرای برنامه ها اعتراض خود را بیان نمودند در این میان نقش اصلی را آیت اله خمینی در رهبری و سازماندهی اصلی قیام ۱۵ خرداد ایفاء نمود. مرجعی فرهمند و دارای اراده معطوف به قدرت و بهره مند از توان سازماندهی و رهبری که مبارزه خود را با رژیم علنی کرد و با دستگیری و تبعید او به ترکیه روحانیت را به عکس العمل وا داشت و با پذیرفتن رهبری او توسط حوزه های علمیه موجب شد انسجام بیشتری در حوزه ها، علیه حکومت پهلوی شکل گیرد. ایشان علاوه بر اقشار سنتی و مذهبی توانست با اقشار تحصیل کرده و توده های مختلف مردم به ویژه با کسبه و بازار و حاشیه نشینان شهری و روستائیان ارتباط برقرار کند.

روحانیت اداره تشکیلات بزرگی هرچند نامتمرکز، شامل حدود ۵ هزار و ۶۰۰ مسجد شهر، موقوفات متعدد، تعدادی حسینیه و ۶ مدرسه علوم دینی در قم، مشهد، تبریز، اصفهان، شیراز و یزد را در دست داشتند. در واقع دوران پر رونق اقتصادی دهه ۱۳۴۰ باعث شد که بازاریان پر درآمد به تشکیلات مذهبی کمک مالی و هزینه گسترش مدارس حوزه های علمیه را تامین کنند.

در نیمه دهه ۱۳۵۰ تشکیلات مذهبی آن قدر وسیع بود که بتواند شاید برای نخستین بار در تاریخ ایران به طور منظم به آبادی های پراکنده و روستاهای دور افتاده و واعظ و مبلغ بفرستد، شگفت اینکه رونق اقتصادی به تقویت یک گروه سنتی کمک می کرد از این گذشته، نفوذ بازار تا روستاها می رسید. این امر تا حدودی از طریق دکانداران روستاها و فروشندگان سیار و پیلهوران و تا حدودی به واسطه مزارع تجارتمندی که پس از اصلاحات ارضی باب شده بود و تا حدودی نیز از طریق تاسیسات صنعتی کوچک که طی دهه ۱۳۴۰ در سطح روستاها ایجاد شده بود میسر می شد (سوداگر، ۱۳۵۹، ص ۳۹۷).

تأثیر تحول طبقاتی دوره پهلوی دوم بر شکل‌گیری ... (ابراهیم دهقانی خواه و دیگران) ۷۹

بنابراین روحانیون به رهبری آیت‌الله خمینی بر سیاستهای رژیم نقد اساسی و همه‌جانبه داشتند و رژیم را در موارد بسیاری از جمله فساد، عمل نکردن به قانون، برخورد و مقابله شدید با احزاب و مطبوعات سیاسی، بی‌توجهی به کارگران و روستائیان، عدم رسیدگی به نیازهای اقتصادی و اساسی تاجران، از بین بردن استقلال دانشگاه، دستکاری در انتخابات، ترویج و تبلیغ غربگرایی، اعطای امتیازات ننگین به امریکا مانند کاپیتولاسیون (Capitulation)، فروش نفت ارزان به رژیم اسرائیل و اموری دیگر از این قبیل متهم می‌کردند و قدرت بسیج اقشار مختلف از جمله حاشیه‌نشینان شهری را داشتند. (آبراهامیان، ۱۳۷۷، ص ۲۳)

روحانیون به رهبری امام خمینی (ره) نقدهای خود را از طریق سخنرانی در محافل و مجالس مختلف مذهبی و اجتماعات مردمی و توزیع اعلامیه‌ها و متون سخنرانی مقتدی خود، به مردم سراسر کشور منتقل می‌کردند که این اقدامات نقش اساسی در روشنگری مردم و بسیج آنها در راستای مخالفت با حکومت پهلوی داشت. از طرفی بسط و تبیین مواضع امام خمینی توسط ایشان، در قشر بیسواد و کم‌سواد جامعه نقش بسزایی را در پیشبرد اهداف قیام ایفاء نمود.

۶. بسیج توده‌های حاشیه‌نشین شهری توسط نخبگان سنتی

ایدئولوژی بسیج و پیوند آن با نیازهای روحی روانی توده‌ها موضوعی است که مورد توجه اندیشمندان بوده و در انقلاب اسلامی این توانایی روحانیون بود که در بسیج مردم بسیار بیشتر از توانایی دیگر سازمان‌ها و گروه‌های مدعی قدرت موفق ظاهر شد. زیرا آنان به یک ایدئولوژی غنی احیاگرانه و ادغام‌گرم‌جهز بودند که پاسخ به نیازهای روحی و روانی توده‌های جابجا شده به دلیل دگرگونی‌های اقتصادی، اجتماعی و شبه‌غربی را در درون خود داشت. نوسازی اقتصادی، اجتماعی در ایران دوره پهلوی دوم که در نتیجه رویارویی با فرهنگ و تمدن غرب بود، نفوذ افکار و اندیشه‌های جدید غربی و پیدایش قشرها و گروه‌های خواستار اصلاحات اجتماعی را به دنبال داشت. همچنین سلطه و فشار سیاسی، نظامی و اقتصادی دولت‌های غربی باعث شد که زمامداران وقت انجام اصلاحات شبه‌غربی را در دستور کار خود قرار دهند. بنابراین شگفت‌آور نبود که توده‌های جابجا شده در نتیجه نوسازی و دگرگونی‌های اجتماعی، دولت‌ها و فرهنگ و تمدن غرب را باعث مشکلات قلمداد کرده و مبارزه با آن را خواستار شدند. ایدئولوژی بسیج توده‌ای با تقلیدی و شبه‌غربی خواندن دگرگونی‌های نام‌برده و تأکید بر غرب ستیزی، در واقع به این بخش از نیازها و خواسته‌های

توده‌ها پاسخ می‌داد غو به همین دلیل است که در ایدئولوژی مورد بحث ضرورت ریشه کن ساختن همه نمودها و نشانه‌های فرهنگ و تمدن غربی جایگاه برجسته‌ای داشته و نباید آن را تصادفی دانست. (فوزی، ۱۳۸۴، ص ۳۳)

اسلامی کردن جامعه خواست توده‌های جابجا شده بود. آنها از ادغام شدن در فرهنگ و شیوه زندگی جدید که بیشتر غربی یا شبه غربی بود نگران بودند و مخالفت خود را اعلام می نمودند و شکل گیری جامعه ای را می خواستند که ارزشها و قواعد حاکم بر آن با ارزشهای مورد نظر آنان انطباق داشته باشد.

در چنین وضعیتی ایدئولوژی بسیج توده ای (Ideology of mass mobilization) نیاز توده‌ها را پاسخ می‌داد، به همین دلیل در این ایدئولوژی، اسلامی کردن جامعه به یک اصل مسلم تبدیل شد و مشروعیت بیشتر اصلاحات دگرگونی‌ها و سیاست‌های جدید از این راه به دست می‌آید. رواج یافتن مفاهیمی مانند اقتصاد اسلامی، بانکداری اسلامی، جزای اسلامی، مدیریت اسلامی و... نیز با همین اصل ایدئولوژی بسیج معنا و پیوندی یابند. در کنار مشکلات اقتصادی تاکید بر مسائل فرهنگی و اخلاقی انگیزه اصلی توده‌ها بود. آنان در درجه نخست می‌خواستند ارزش‌های اسلامی در جامعه حاکم شود نشانه‌های فرهنگ غربی از بین برود و هویت و جایگاه از دست رفته خود را بازیابند. (فوران، ۱۳۷۷ص ۴۱۱)

نقش آیت‌الله خمینی به عنوان رهبر و منجی در ایجاد جنبش انقلابی و بسیج سیاسی بسیار برجسته بود. آیت‌الله خمینی با ایجاد اعتماد در بین انقلابیون وحدت و هماهنگی لازم ایجاد کرد و بسیج فراگیر و وسیع مردمی شکل داد و نیروی عظیمی برای مقابله با رژیم حاکم به وجود آورد. با دامن ردن به صف بندیها بین دوست و دشمن خط کشی کرد و دشمنان داخلی و خارجی را مطرح و برجسته نمود، آیت‌الله خمینی در طول قیام مردم علیه رژیم شاه، با مطرح کردن آرمان‌های انقلاب برآمده از ایدئولوژی اسلام سیاسی، مردم را برای فداکاری و جانفشانی برای تحقق آن آرمانها آماده کرد. با استفاده از ایدئولوژی مکتب اسلامی احساسات توده‌ها را تحریک و آنان را نسبت به موضوع هویت یابی و مرزبندی خودی و غیرخودی حساس و بسیج کردند و از این طریق اقدامات انقلابی از قبیل راهپیمایی‌ها و حضور در صحنه‌های انقلاب با بسیج سیاسی انجام می‌شد. (فوران، ۱۳۷۷ص ۴۲۳)

بنابراین امام خمینی (ره) و شاگردان و پیروان حلقه اول وی شرایط ذهنی مردم را برای مشارکت جدی در فرآیند انقلاب و فداکاری و ایثارگری برای اهداف آن آماده کردند و با مطرح کردن راههای رسیدن به اهداف، ایجاد اتحاد و یکپارچگی و روحیه فداکاری و از

تأثیر تحول طبقاتی دوره پهلوی دوم بر شکل‌گیری ... (ابراهیم دهقانی‌خواه و دیگران) ۸۱

جان گذشتگی را تسهیل می‌کردند که در نتیجه آن بسیج توده‌ای فراگیری که شرایط و دگرگونی‌های اجتماعی بستر آن را فراهم آورده بود به وقوع پیوست.

آیت‌اله خمینی به عنوان یک رهبر بسیج‌گر از یک سو توانست از فضای فرهنگی خاصی که از حیث مذهب‌گرایی که از دهه ۱۳۴۰ به این سو به وجود آمده بود استفاده کند و از سویی دیگر نیز با آگاهی دادن به مردم و معرفی پیامدهای منفی و ناگوار برنامه‌نوسازی رژیم موفق شد، به عنوان یک شخصیت آرمانی، مورد قبول همه گروه‌ها و همچنین انبوه توده‌ها قرار گیرد و از این فرصت در راه مقابله و مبارزه با رژیم بهره کامل را ببرد. ضمن اینکه ابزارهای بسیج‌گری سیاسی از جمله بهره‌گیری از مساجد، مراسم مذهبی، منبرها، طلاب و روحانیون جوان و انقلابی، نیز در دسترس بود. (فوزی، ۱۳۸۴، ص ۴۲)

گروه‌ها و اقشار هر کدام به دلیلی با آیت‌اله خمینی همسو و همراه شده و ایشان را به عنوان رهبر خود قبول کردند. نیروهای باقی مانده از حزب توده و چپ‌ها به دلیل مواضع ضد امپریالیستی (imperialist)، ملی‌گراها و روشنفکران ضد استبداد به دلیل ظلم ستیزی و طاغوت ستیزی ایشان و توده‌های مردمی نیز مواضع محکم و قاطعانه ایشان در مقابله و مبارزه با فساد، و اقدامات اصلاحی غرب‌گرایانه و اسلام‌ستیزانه و عدالت‌خواهی را دلیل پیروی از ایشان می‌دانستند. خصوصیات بارز امام خمینی از قبیل زندگی ساده و بی‌آلایش، شجاعت، رفتار بی‌تکلف، مبارزه با اشرافیگری، و مردم‌گرایی وی سبب شد ایشان به رهبری منحصر به فرد و قابل اطمینان برای همه اقشار در مبارزه با رژیم بدل شود. (زیباکلام، ۱۳۸۷، ص ۱۲۱)

در واقع مطابق با نظریه بسیج توده‌ای، گسستهای اجتماعی که دلیل اصلاحات اجتماعی - اقتصادی عمیق به وقوع پیوسته و افراد جامعه را ذره‌ای کرده بود زمینه را برای ظهور یک منجی فراهم ساخته بود که این امر در شخص امام خمینی (ره) تجلی یافت و مشهور شدن وی به لقب ((امام)) مبین همین امر است.

حال متوجه هستیم که گروه‌های سیاسی فعال هرکدام به نوعی جذب رهبری مذهبیون و در راس آنها آیت‌اله خمینی شدند لکن با توجه به نقطه تمرکز این مقاله باید اظهار کرد که مهمترین نقش حمایت‌گرانه توده‌ای طبقه‌های پایین را، طبقه‌های حاشیه شهر ایفا کردند. این طبقه‌ها که در زاغه‌نشین‌های خارج از محدوده جنوب تهران زندگی می‌کردند در تابستان ۱۳۵۶ با ماموران پلیس که برای بیرون راندنشان از منطقه‌های خارج از محدوده آمده بودند به زد و خود پرداختند و نشان دادند که می‌توان در برابر نظام ایستاد. طبقه‌های حاشیه شهری که علاوه بر انگیزه‌های دینی و نیازهای اقتصادی، به عنوان مستضعفان مورد تکریم آیت‌اله

خمینی بودند، بدنه عظیم تظاهرات و راهپیمایی های اواخر سال ۱۳۵۶ را تشکیل دادند، و در مقابل تفنگ نظامیان سینه سپر کردند و در طی انقلاب بیش از ۱۰ هزار کشته داشتند. (فوران، ۱۳۷۷، ص ۵۶۴)

جوانان محروم شهری در اواخر سال ۱۳۵۷ انقلاب را به روستاهای خود بردند، مبارزات طبقاتی روستایی در اواخر سال ۱۳۵۷ در روستاهای اطراف شیراز شدت گرفت. در نیمه ماه آذر پاسگاه های ژاندارمری در این قبیل مناطق بر چیده و در اوائل دی اغلب روستاییان به طور ضمنی یا آشکار از نیروهای طرفدار آیت اله خمینی که در آستانه پیروزی بودند حمایت کردند. دهقانان اطراف تهران در راهپیمایی های محرم این شهر شرکت داشتند. در مواردی دهقانان اقدام به مصادره اموال مالکان کردند. این امر در اوایل سال ۱۳۵۷ در کردستان ترکمن صحرا شوراهای دهقانی برپا شده بود رواج داشت. (فوران، ۱۳۷۷، ص ۵۷۲)

جوانان محروم شهری در راستای مبارزه با حاکمیت بسیار فعال بودند و عده ای از آنها در خلال راهپیمایی های بزرگ، رهبری مناطق همجوار را برعهده گرفتند. دهقانان که در روستاهای نزدیک شهرها سکونت داشتند و می توانستند به شهر بروند خود یا فرزندانشان از پاییز ۱۳۵۷ نقش فعالی در تظاهرات ایفا کردند و از این لحاظ نقش مهم همانند نقش مهاجران روستایی ساکنان مناطق حاشیه شهر را به عهده داشتند.

۷. نتیجه گیری

اجرای اصلاحات اجتماعی و اقتصادی گسترده در دوره پهلوی دوم بویژه اصلاحات موسوم به انقلاب سفید و بخش اصلاحات ارضی آن سبب تحول در ساختار طبقاتی، گسترش شهرنشینی، حاشیه نشینی شهری و زوال هویت های سنتی (روستایی، ایل و قبیله ای) گردید. این طرح تحولات عمیق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را رقم زد و موجب شد که چهره ایران از یک جامعه سنتی به یک جامعه شبه مدرن و صنعتی تبدیل شود و پیامدهای آن با توجه به تئوری جامعه توده وار شکل گیری توده های تشنه هویت و ایدئولوژیهای جدید بود که مآلاً "توده های مذکور از سوی روحانیت جذب ایدئولوژی جدیداً" مطرح شده اسلام سیاسی گردید. مشکلات عدیده در اجرای طرح های انقلاب سفید بویژه اصلاحات ارضی همبستگی های سنتی از نوع ارباب رعیتی را فرو پاشید و زمینه مهاجرت گسترده روستائیان را فراهم ساخت. با افزایش شهرنشینی، حاشیه نشینی شهری، جوامع ذره ای شده و بی هویت و مستعد بسیج انقلابی شکل گرفت و در شکل دهی حرکت های توده ای نقش اساسی ایفاء

تأثیر تحول طبقاتی دوره پهلوی دوم بر شکل‌گیری ... (ابراهیم دهقانی‌خواه و دیگران) ۸۳

کرد. به بیان دیگر در نتیجه مهاجرت به شهرها توده‌های کثیری به جمعیت شهر افزوده شد که به دلیل فرهنگ روستایی نمی‌توانستند در اجتماع و فرهنگ شهری جذب شوند. اگر در چنین وضعیتی ساز و کارهای لازم برای جذب و ادغام در احزاب سیاسی، سندیکاها، جنبش‌های غیر دینی و از این قبیل نتوانند این افراد را در خود جذب کنند انجام این کارویژه توسط مذهب صورت می‌پذیرد. از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵ درصد جمعیت شهری از ۳۱ درصد به ۴۷ درصد رسید و شمار شهرنشینان از ۶ میلیون، به ۱۶ میلیون نفر افزایش یافت. در این دوره جمعیت تهران از ۳ میلیون نفر به ۸ میلیون نفر رسید. در سایر شهرهای بزرگ نیز جمعیت بسیار بالا رفت. این روند که نتیجه اصلاحات ارضی و پیامد آن بود موجب شد، که روستاییان کم زمین بی‌زمین از تقسیم اراضی به مهاجرت روی آوردند. از سوی دیگر کشاورزی مکانیزه موجب روانه شدن هزاران کارگر روزمزد به سمت شهرها شد که در قالب بخش خدمات و به عنوان کارگر ساده روستایی در شهرها جذب و مهاجرت نمودند. بدین ترتیب توده‌هایی به جمعیت شهرهای بزرگ افزوده شدند، تا پیش شرط مهم جنبش توده‌ای فراهم شود ایدئولوژی جنبش توده‌ای احیاگرانه برای این روستاییان شهر نشین بسیار جذاب تر بود و زبان ایدئولوژی دینی را بهتر از زبان ایدئولوژی‌های دیگر درک می‌کردند.

بر همین اساس طبق یافته‌های این مقاله اصلاحات موسوم به انقلاب سفید، جامعه ایران را از سنتها خارج و به سمت مدرنیسم پیش برد. در این تحول، جامعه ایران دهه ۴۰ و ۵۰ به صورت یک جامعه در حال گذار درآمد. در این دوره بخشی از جامعه ایران (بخش روستایی) همبستگی‌های سنتی، از جمله وضعیت ارباب - رعیتی، ساختار و هویت‌های برآمده از آنرا از دست داد. در حالی که هنوز ساختارهای مدرن و هویت‌های برآمده از آن را بدست نیاورده و به صورت جماعتی ساکن در حاشیه شهرها که از بحران هویت رنج میبرد و مستعد بسیج شدن توسط روحانیت و سایر نخبگان انقلابی بود جمع شده بودند.

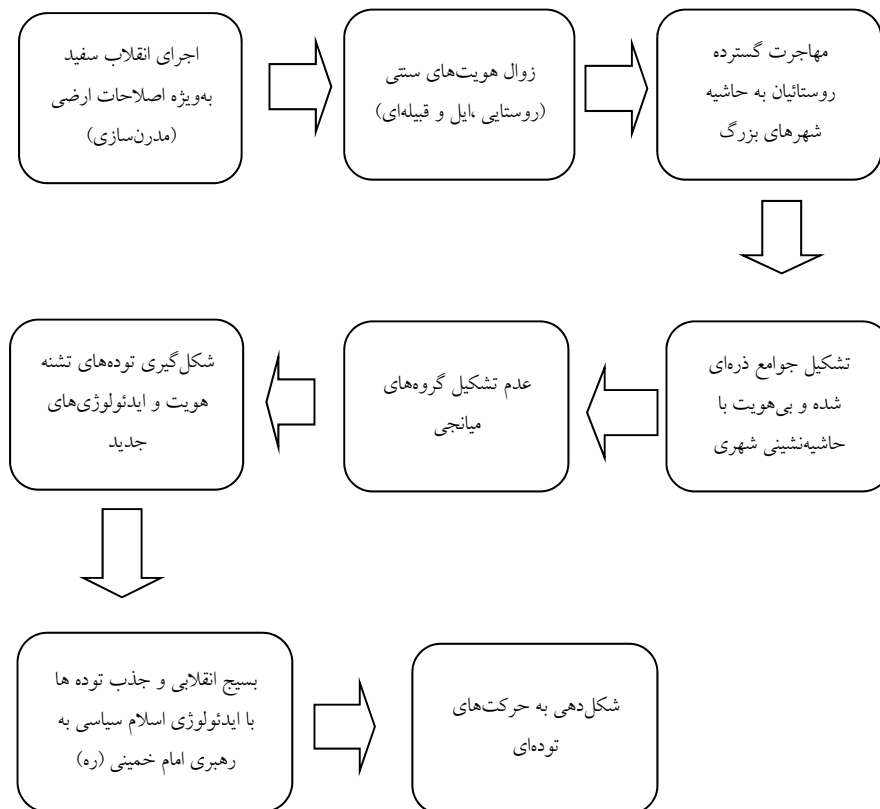
اصل‌الغای رژیم ارباب رعیتی و اصلاحات ارضی سبب شد جامعه‌ای که اکثر آن شکل زندگی روستایی داشت، از هم فرو پاشید و روستاییان از روستاها مهاجرت و به شهرنشینانی روی آوردند و اکثراً در حاشیه شهرها ساکن شدند. از آنجائیکه هنوز ساختارها و هویت‌های مدرن حداقل برای این بخش از جامعه از قبیل نهادهای مدنی مدرن، احزاب، سندیکاها و گروه‌های سیاسی شناخته شده نبودند که موجب جذب و مشارکت سیاسی - اجتماعی آنها را فراهم کنند. لذا مستعد بسیج شدن و هویت یابی توسط نخبگان، بویژه نخبگان سنتی از جمله روحانیت بودند. لذا مفاهیم برآمده از جامعه توده وار مثل ذره‌ای شدن، بی‌هویتی و آنهایی که

از سنت خارج و هنوز مدرن نشده بودند و دچار از هم گسیختگی اجتماعی و بحران هویت شده بودند، در حاشیه کلان شهرهای بزرگ بخصوص در تهران سکونت یافته بودند، چشمگیر بود و ویژگیهایی که در جامعه توده وار ذکر می شود از جمله: پتانسیل بسیج شدن از یک سو و پتانسیل بسیج گر بودن بخصوص توسط روحانیت از سوی دیگر، بوجود آمد. این ویژگی ها در کنار مواردی که تئوریهای دیگر بر آن تاکید داشته اند از جمله: اسلام گریزی و اسلام زدایی رژیم پهلوی، وابستگی و دست نشانده بودن، محدودکردن آزادیهای سیاسی، نداشتن استقلال سیاسی و... در کنار توده ای شدن جامعه به شکل گیری انقلاب اسلامی کمک کرد، بنابراین انقلاب اسلامی، هم برآمده از تحلیلهای مذهبپون و ملیون و تاحدی برآمده از ویژگی های جامعه توده ای بوده است.

شماره ۳: (تلخیص الگوی پژوهش)

توضیح: اجرای اصلاحات اجتماعی و اقتصادی گسترده در دوره پهلوی دوم بویژه اصلاحات موسوم به انقلاب سفید و بخش اصلاحات ارضی آن سبب تحول در ساختار طبقاتی، گسترش شهرنشینی، حاشیه نشینی شهری و زوال هویت های سنتی (روستایی، ایل و قبیله ای) گردید که پیامدهای آن با توجه به تئوری جامعه توده وار شکل گیری توده های تشنه هویت و ایدئولوژی های جدید بود که مآلاً "توده های مذکور از سوی روحانیت جذب ایدئولوژی جدیداً" مطرح شده اسلام سیاسی گردید.

تأثیر تحول طبقاتی دوره پهلوی دوم بر شکل‌گیری ... (ابراهیم دهقانی خواه و دیگران) ۸۵



کتاب‌نامه

- سوداگر، محمدرضا، ۱۳۵۹، نظام ارباب و رعیتی در ایران، تهران، پاران
- فوران، جان، ۱۳۷۷، مقاومت شکننده، احمد تدین، تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا
- پهلوی، محمدرضا، ۱۳۴۵، انقلاب سفید، تهران، کتابخانه سلطنتی پهلوی
- حاجی یوسفی، امیرمحمد، ۱۳۸۲، زمینه‌ها سیاست‌ها و پیامدها در تحولات سیاسی اجتماعی ایران، تهران، انتشارات روزنه
- زیبا کلام، صادق، ۱۳۸۷، مقدمه‌ای بر انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات روزنه
- آرنت، هانا، ۱۳۶۱، انقلاب، ترجمه‌ی عزت‌الله فولادوند، تهران، خوارزمی
- گیدنز، آنتونی، ۱۳۷۹، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، تهران
- کاتوزیان، محمد علی همایون، ۱۳۷۴، اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه‌ی محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز

اشرف و بنو عزیزی، احمد و علی ۱۳۹۳، طبقات اجتماعی دولت و انقلاب در ایران، ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، تهران، نشر نیلوفر

مهدوی، عبدالرضا هوشنگ، ۱۳۷۵، سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی، تهران، نشر پیکان
آبراهامیان، یرواند، ۱۳۵۷، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران، نشر نی

هوگلدن، اریک ج، ۱۳۷۰، زمین و انقلاب در ایران، ترجمه: فیروزه مهاجر، نشر شیرازه
ازغندی، علیرضا، ۱۳۸۳، تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران (۱۳۲۰-۱۳۵۷)، تهران، انتشارات سمت.
آن لمبتون، ۱۳۷۷، مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
استرینانی، دو مینیک، مقدمه ای بر نظریه های فرهنگ عامه، ترجمه ثریا پاک نظر، تهران، انتشارات گام نو
نظر پور، مهدی، ۱۳۸۴، تاریخ سیاسی معاصر ایران، قم انتشارات زمزم هدایت

اشرف، احمد (۱۳۵۹). موانع تاریخی رشد سرمایه داری در ایران: دوره قاجاریه، تهران: انتشارات زمینه
انگویتا، ماریانو اف و لئونارد ریزمن (۱۳۸۳). جامعه شناسی قشرها و نابرابری های اجتماعی، ترجمه محمد
قلی پور، تهران: نشر مرنديز

اولثاریوس، آدام (۱۳۶۳)، سفرنامه اولثاریوس. ترجمه احمد بهپور، تهران: سازمان انتشاراتی و فرهنگی ابتکار.

مقالات

مشیرزاده، حمیرا، ۱۳۷۵، نگرشی اجمالی به نظریه های انقلاب در علوم اجتماعی، انقلاب اسلامی و
ریشه های آن، راهبرد، شماره ۹، ص ۱۰۷-۱۲۸

دلاوری، ابوالفضل، ۱۳۷۵، طرحی برای مطالعه زمینه ها و علل اجتماعی وقوع انقلاب اسلامی، راهبرد،
شماره ۹، ص ۷۰-۵۰

گل محمدی، احمد، ۱۳۷۵، زمینه بسیج مردمی در انقلاب اسلامی ایران، راهبرد، شماره ۹، ص ۸۹-۷۰
کشاوری شگری، عباس و نویسندگان، ۱۳۷۲، تحلیلی انتقادی بر برخی تبیین های انقلاب اسلامی، ص ۹-

سایت ها و مقالات خارجی

E. Abrahamian, "The Strengths and Weaknesses of the Labor Movement in Iran, 1941-1953," in M. Bonine and N. Keddie, eds., *Modern Iran. The Dialectics of Continuity and Change*, Albany, N.Y., 1981, pp. 181-202.

S. Akhavi, *Religion and Politics in Contemporary Iran*, Albany, N.Y., 1980.

Ashraf, "Historical Obstacles to the Development of a Bourgeoisie in Iran," in M. A. Cook, ed., *Studies on the Economic History of the Middle East*, London, 1970, pp. 308-32.

Idem, "The Roots of Emerging Dual Class Structure in Nineteenth-Century Iran," *Iranian Studies* 14/1-2, 1981, pp. 5-27.

تأثیر تحول طبقاتی دوره پهلوی دوم بر شکل‌گیری ... (ابراهیم دهقانی خواه و دیگران) ۸۷

Idem and A. Banuazizi, "Policies and Strategies of Land Reform in Iran," in Inayatullah, ed., *Land Re-form. Some Asian Experiences*, Kuala Lumpur, 1980, pp. 15-60.

Idem, "The State, Classes, and Modes of Mobilization in the Iranian Revolution," *International Journal of State, Culture and Society* 1/3, 1985, pp. 3-40.

Banani, *The Modernization of Iran, 1921-1941*, Stanford, Calif., 1961.

Kostiner, eds., *Tribes and State Formation in the Middle East*

Berkeley, 1990, pp. 185--225.

Bharier, "A Note on the Population of Iran, 1900-1966," *Population Studies* 22/2, 1968, pp. 273--79.

Idem, *Economic Development in Iran, 1900--1970*, London, 1971.

Idem, "The Plasticity of Informal Politics. The Case of Iran," *Middle East Journal* 27/2, 1973, pp. 131-51.

G. Bricault, ed., *Major Companies of Iran, 1978/1979*, London, 1978.

J. Cottrell, "Iran's Armed Forces under the Pahlavi Dynasty," in G. Lenczowski, ed., *Iran under the Pahlavis*, Stanford, Calif., 1978, pp. 389-431.

P. Elwell-Sutton, "Political Parties in Iran, 1941-1948," *Middle East Journal* 3/1, 1949, pp. 45-62.

Gholam Reza Afkhami: *The Life and Times of the Shah*. University of California Press , 2009, p. 230